

فرازهایی از کتاب مقدس

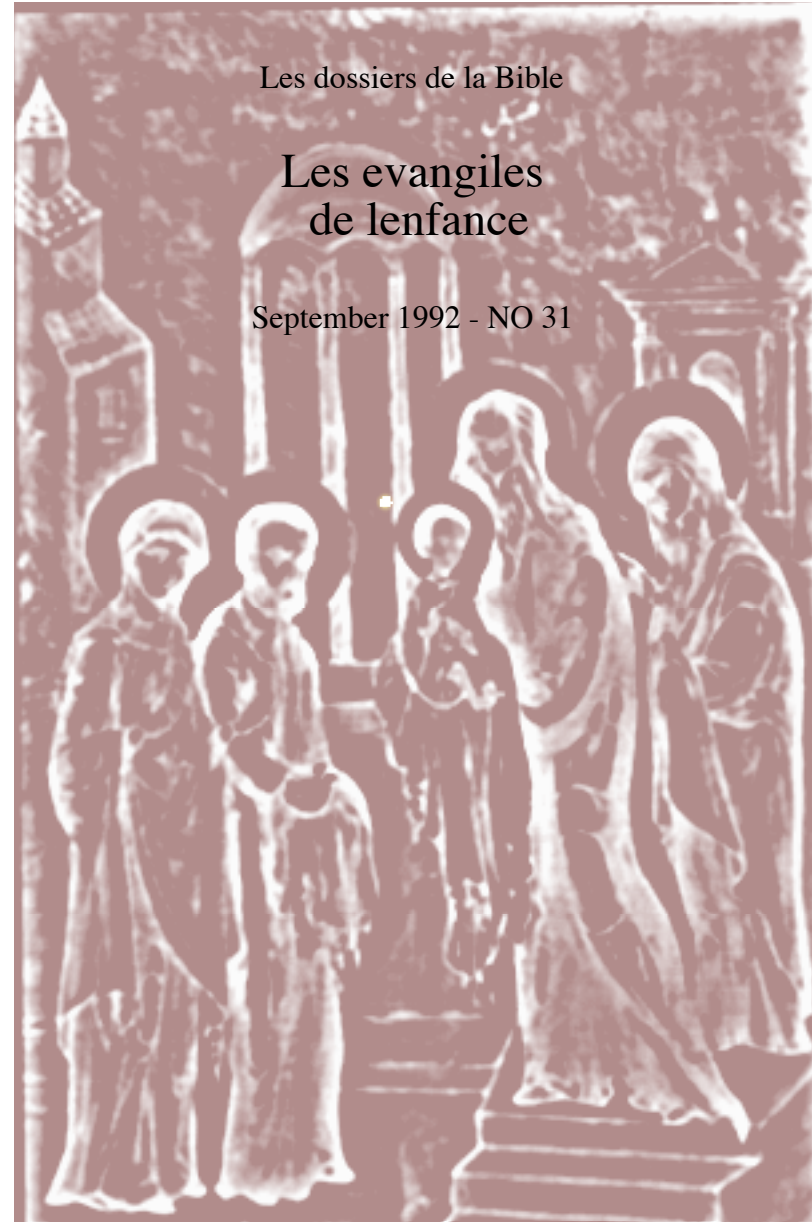
اناجیل کودکی



Les dossiers de la Bible

Les evangiles de l'enfance

September 1992 - NO 31



فهرست

صفحه

۳	سرمقاله
۳	روایات دوران کودکی
۹	نسب نامه عیسی
۱۰	بشارت به یوسف
۱۳	پادشاه یهودیان و مشرکین
۱۴	قتل عام در بیت اللحم
۱۵	نظری اجمالی بر بابهای اول و دوم انجیل لوقا
۱۶	نظری اجمالی بر بابهای اول و دوم انجیل لوقا ختنه و طهارت
۲۱	سه سرود زکریا، مریم و شمعون در انجیل لوقا
۲۲	تولد عیسی
۲۴	میلااد مسیح در یک انجیل جعلی
۲۶	

کلیه حقوق این اثر متعلق به وب سایت
www.irancatholic.com می باشد.

سرمقاله

«روز میلاد خداوندگار برای تمام جهان آغاز بشارتها بود... هر کسی می‌تواند این اتفاق را چون سرآغاز زندگیش بداند». این کتیبه مربوط به سال نهم پیش از میلاد، یادآور تولد آگوست اولین امپراتور روم است (ر.ک. ص ۲۸). چند سال بعد بهنگام ولادت عیسی هیچ کتیبه‌ای نوشته نشد، با این حال در بین تمام متون فرهنگی مغرب زمین، روایات اناجیل در باب این تولد بیشترین خوانندگان را دارند.

عالمان علوم الهی از «راز تجسم» سخن می‌گویند؛ یوحنا قدیس می‌نویسد: «سخن جسم گرفت»، تمام جهان به سادگی می‌گوید: میلاد، «سالروز» *matalis* (*dies*)، (روز) تولد. اما ورای این کلمه جادویی که آخور و خاطرات خارق العاده دوران کودکی را به یاد می‌آورد روایات میلاد چه مفهومی دارند؟ انجیل‌نگاران می‌خواستند دقیقاً چه چیزی را در مورد عیسی نقل کنند؟ چگونه از وقایع اولین روزهای تولد عیسی مطلع گشته‌اند؟ چرا مرقس و یوحنا از کودکی عیسی سخنی نمی‌گویند. ما این مجموعه را در حول و حوش دو باب اول انجیل متی و لوقا تهیه کرده‌ایم. این مقدمه می‌تواند کمک زیادی باشد برای ورود به موضوع این نوع ادبیات که خاص روایات دوران کودکی است تا بیاموزیم که آنها را در ایمان و در روشنایی عیدگذر و حیات کلیساها بخوانیم. در آخر این کتاب و در قسمت یادداشتهایی برای تعمق، روایتی از یکی از اناجیل جعلی که بسیار مورد علاقه مردم بود آمده است. هر چند ممکن است این مطلب را در ایام میلاد نخوانید اما راز تجسم پسر خدا تنها به چند هفته‌ای که طی آنها تزئینات، درخت نوئل و هدایا پدیدار می‌شوند محدود نمی‌گردد! تجسم پسر خدا از دو هزار سال پیش آغاز شده و هنوز ادامه دارد چرا که مسیح رستاخیز کرده «نخست زاده از برادران بسیار» است (رومیان ۸: ۲۹).

روایات دوران کودکی

روایات دوران کودکی در کتاب مقدس بسیار کم و نادر هستند. تصور عموم بر این است که در این سن و سال واقعه مهمی رخ نمی‌دهد. مردان بزرگ چون مشهور شوند دوران کودکی را به یاد فراموشی می‌سپرنند. پس چرا یعقوب و عیسی، موسی، سموئیل و بخصوص عیسی باید از این قاعده مستثنی باشند؟

دوران طفولیت اشاره به آینده.

در کتاب مقدس

کتاب مقدس می‌نویسد یعقوب و عیسی از همان لحظه بسته شدن نطفه‌شان در رحم مادر با هم منازعه می‌کردند (پید ۲۵: ۲۱-۲۸). پس آنان از پیش از تولد رقابت دوقوم ادوم و بنی اسرائیل (۲- سمو ۸: ۱۴) را که نیاکانشان می‌باشند نشان می‌دهند. موسی از سه ماهگی در سیدش بر روی نیل از سوی خدا محافظت می‌شد (خروج ۲: ۱-۱۰). این روایت نامی از خدا نمی‌برد اما نشان می‌دهد که خدا در میان قومش حاضر است. موسای نجات یافته از آب استعاره‌ای از سرنوشت بنی اسرائیل است که خداوند او را از آبهای مرگ بیرون خواهد کشید (خروج ۱۴).

شمشون عطیه خداوند به مانوح بود که زنی نازا داشت (داور ۱۳). سرنوشت افسانه‌ای این قهرمان که «به رهانیدن اسرائیل از دست فلسطینیان شروع خواهد کرد»، در کتاب مقدس اعلام شده است (داور ۱۳: ۵). سموئیل کوچک نیز عطیه شگفت خداوند به حنای نازاست که «نمومی یافت و هم نزد خداوند و هم نزد مردمان پسندیده می‌شد» (۱- سمو ۲: ۲۶). خداوند او را به پیامبری ندا داده (۱- سمو ۳) و او دو پادشاه اول بنی اسرائیل یعنی شائول و داود را مسح خواهد کرد.

خارج از کتاب مقدس

ادبیات هر ملتی مملو از افسانه‌هایی از این نمونه است: سرگون، پادشاه آکاد در ۲۵ قرن قبل از میلاد، هنگامی که نوزاد کوچکی بیش نبود در سبیدی شناور بر رود فرات از مرگ نجات یافت. داستان زیبایی که راوی دوران کودکی موسی از آن یاد کرده است (خروج ۲). پلوتارک حکایت می‌کند که اسکندر کبیر چگونه از همان اوان کودکی نشانه‌هایی از سرنوشت استثنایی خود می‌داد: او قادر به رام کردن اسبی رم کرده یا خیره ماندن به نور خورشید بود.

زندگی مقدسین مملو از این داستانهای ساده است که پرهیزکاری و اعمال برجسته از همان سالهای اولیه زندگی در آنها به چشم می‌آیند. مانند نیکلای مقدس که در روز جمعه روزه گرفته از مکیدن سینه مادرش خودداری می‌کرد. یا رمی مقدس که با مالیدن شیر مادرش به چشمهای مردی نابینا او را شفا داد. عقلیون چنین داستانهای نامحتمل را «کذب» دانسته‌اند. اما خوانندگان متأثر از نتیجه این روایات، آنها را «حقایق نمادی» می‌دانند. این روایات تعلیمی شخصیت بالغ کودک را بروز می‌دهند.

دو روایت از دوران کودکی عیسی

یوحنا و مرقس انجیل نگار بحث در مورد کودکی عیسی را لازم ندانسته‌اند. چرا که به نظر آن دو، رسالت عیسی از تعمید او آغاز می‌شود. در انجیل آنان از سی سال قبل از تعمید مطلبی گفته نشده است. اما متی و لوقا برخلاف آنان (هرکدام از دیدگاه خاص خود که هماهنگی بین آنها عملی ساده نیست) جایگاهی مهم به برخی از حوادث کودکی عیسی داده‌اند.

رستاخیز کرده

آنها قاعدتاً حکایت را با پشت سر گذاشتن دوران کودکی آغاز می‌کنند. پس بی شک متی و لوقا تحت تأثیر تقوای کنجکاو عامه هریک از دیدگاهی خاص، لوقا از داستان مریم و متی از داستان یوسف سعی کرده اند هویت خداوند را از طریق بعضی صحنه‌های ورودی او به تاریخ روشن کنند.

نگارندگان این انجیل از قیام عیسی مطلع بودند از این رو روایات گم شدن عیسی و بازیابی او در معبد پس از سه روز، بی شک تداعی مرگ و قیامش در روز سوم می‌باشد. لوقا با نگاشتن حکایت یحیی تعمید دهنده و عیسی به موازات هم و پیش بردن حکایت عیسی، ایمان کلیسا به عیسی خداوند را بیان می‌کند. انجیل نگار به آنانی که اهمیت بسیار به یحیی تعمید دهنده داده اند یادآوری می‌کند که اختلاف مراتب بین یحیی و عیسی از زمان بسته شدن نطفه شان وجود داشته است.

حیات کلیسا

متی و لوقا نمی‌توانند ضمن حکایت دوران کودکی عیسی از تشکیلات گروهی شاگردان (مبشرین ملکوت) و رسالت آنان با تمام موفقیتها و ناکامیهایش صرف نظر نمایند، تشکیلاتی که در عصر آنان «جنبش عیسی» نامیده می‌شد. کلیسای لوقا متشکل از فقرا، درمی‌یابد که از همان تولد عیسی، این چوپانان و حقیران هستند که وحی را می‌پذیرند. و توسط همین افراد است که کلیسا با تمام فقر و اقبالش برای انتخاب شدن خود را چون در آئینه ای باز می‌یابد.

متای یهودی می‌خواهد بداند که چرا قومش مسیح را نپذیرفت. پس به دوران کودکی عیسی که مطرود یهودیان و مقبول مشرکین گشت برمی‌گردد. شاهان مجوس به هدایت ستاره منطق، در پی نور کتب مقدسه به نزد یهودیان می‌روند. بدین طریق با اینکه شاهان یهود مسیح را نپذیرفتند مجوسیان به بیت اللحم رفتند. و از همان آغاز آنچه که باید در طی موعظه عیسی و تولد کلیسا اتفاق می‌افتاد به تحقق رسید.

نوری بر عهد عتیق

مسیحیان برای درک بهتر وقایع زندگی عیسی باید آنها را در ارتباط با عهد عتیق و از طریق آن بیان کنند. به همین دلیل است که لوقا وقایع مهم عهد عتیق را در کتابش ثبت می‌کند (برای مثال «اعلام مزده به مریم» همین مجموعه را ملاحظه کنید). خواننده امروزی که با متون عهد عتیق بیگانه است حتی متوجه این اشارات نمی‌شود! متی عیسی را چون موسی جدید توصیف می‌کند که همانند او به صورتی اسرارآمیز از کشتار می‌گریزد (متی ۲: ۱۳-۱۵). متی با یادآوری اینکه چهار زن (تامار، راحاب، روت و بتشعب) برخلاف منطق انسانی وارد سلسله نیاکان مسیح شده‌اند، نقش خاص مریم را خاطر نشان می‌کند که به لطف روح هادی یوسف، عیسی را در تبار مسیحایی داود جای داده است.

صحت تاریخی

لازم به تذکر است که انسان کتاب مقدس مثل ما که تفکری مادی داریم طالب صحت تاریخی نیست. همچنین باید به خاطر داشت که تمام روایات دوران کودکی از اطلاعات بدست آمده بعدی نوشته شده‌اند. پدیده بازخوانی گذشته در روشنائی حال، اهمیت عهد عتیق به مانند «نبوتها» و درخشندگی قیام، هویت اصلی عیسی را آشکار می‌سازند. تمام این موارد حاکی از این است که روایات کودکی عیسی بازنویسی شده‌اند و نویسندگان آنها در بند صحت تاریخی این وقایع نبوده‌اند. با این حال صحت تاریخی نیز نمی‌تواند کاملاً نادیده گرفته شده باشد. اناجیل متی و لوقا با وجود اختلافات بسیار، نقاط مشترکی نیز دارند. بعلاوه اعتدال اناجیل بر این مرحله از زندگی عیسی خود دلیل مناسبی است. بخصوص وقتی آن را با روایات جعلی می‌سنجیم. در روایات اناجیل جعلی اعجازی که اغلب رنگ مذهبی ندارند برای خرسندی خواننده نوشته شده است (به صفحه ۵۱ رجوع شود).

خوشبختانه کلیسای اولیه این منبع اعجاز را رد کرده و روایات کودکی را بدقت انتخاب نموده است.

در این میان تنها روایات آموزنده‌ای باقی مانده‌اند که از بطن راز عیسی نشأت می‌گیرند چرا که نویسندگان روشنائی مؤثری یعنی قیام مسیح، راه او و تمام کتاب مقدس را در اختیار داشتند.

تطابقهای دو انجیل متی و لوقا

اناجیل متی و لوقا تفاوت‌های بسیار دارند اما نقاط مشترکی نیز دارند که می‌توان آنها را هسته استوار روایت دانست.

مریم نامزد مردی به نام یوسف از خاندان داود (متی ۱: ۱۶، ۱۸: ۲۰ لوقا ۲۷: ۱، ۲: ۴-۵).

فرشته خداوند تولد کودک و نام او را مطابق رسالتش اعلام کرد (متی ۱: ۲۰-۲۱ لوقا ۱: ۳۱-۳۵).

مریم خود را از روح القدس باردار یافت (متی ۱: ۱۸، ۲۰ لوقا ۳۵).

پیش از آنکه با هم آیند (متی ۱: ۱۸، ۲۴-۲۵ لوقا ۲۷: ۳۴).

عیسی در ایام هیروودیس پادشاه به دنیا آمد (متی ۲: ۱ لوقا ۵).

در بیت اللحم (متی ۲: ۱، ۵، ۸ لوقا ۴: ۲، ۶، ۱۱).

یوسف در شهری به نام ناصره سکونت گزید (متی ۲: ۲۲-۲۳ لوقا ۲: ۳۹).

بابهای اول و دوم انجیل متی



- ۱- کتاب نسب نامه عیسی مسیح بن داود بن ابراهیم.
- ۲- ابراهیم اسحق را آورد و اسحق یعقوب را آورد و یعقوب یهودا و برادران او را آورد.
- ۳- یهودا فارص و زارح را از تامار آورد و فارص حصرون را آورد و حصرون آرام را آورد.
- ۴- و آرام عمیناداب را آورد و عمیناداب نحشون را آورد و نحشون شلمون را آورد.
- ۵- شلمون بوعزرا از راحاب آورد و بوعز عوبید را از راعوت آورد و عوبید یسّا را آورد.
- ۶- یسّا داود پادشاه را آورد و داود پادشاه سلیمان را از زن اوریا آورد.
- ۷- و سلیمان رحبعام را آورد و رحبعام ابیا را آورد و ابیا آسا را آورد.
- ۸- و آسا یهوشافاط را آورد و یهوشافاط یورام را آورد و یورام عزیا را آورد.
- ۹- و عزیا یوتام را آورد و یوتام احاز را آورد و احاز حزقیا را آورد.
- ۱۰- حزقیا منسی را آورد و منسی آمون را آورد و آمون یوشیا را آورد.
- ۱۱- و یوشیا یکنیا و برادرانش را در زمان جلای بابل آورد.

۱۸- اما ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود قبل از آنکه با هم آیند او را از روح القدس حامله یافتند.

۱۹- شوهرش یوسف چونکه مرد صالح بود و نخواست او را عبرت نماید پس اراده نمود او را به پنهانی رها کند.

- ۱۲- و بعد از جلای بابل یکنیا سالتیئیل را آورد و سالتیئیل زروبابل را آورد.
- ۱۳- زروبابل ابیهود را آورد و ابیهود ایلیاقیم را آورد و ایلیاقیم عازور را آورد.
- ۱۴- و عازور صادوق را آورد و صادوق یاکین را آورد و یاکین ایلیهود را آورد.
- ۱۵- و ایلیهود ایلعازر را آورد و ایلعازر متان را آورد و متان یعقوب را آورد.
- ۱۶- و یعقوب یوسف شوهر مریم را آورد که عیسی مسمی به مسیح از او متولد شد.
- ۱۷- پس تمام طبقات از ابراهیم تا داود چهارده طبقه و از داود تا جلای بابل چهارده طبقه و از جلای بابل تا مسیح چهارده طبقه.
- ۲۴- پس چون یوسف از خواب بیدار شد چنانکه فرشته خداوند بدو امر کرده بود به عمل آورد و زن خویش را گرفت.
- ۲۵- و تا پسر نخستین خود را زاید او را شناخت و او را عیسی نام نهاد.

۲۰- چون در این چیزها تفکر می کرد ناگاه فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شده گفت: «ای یوسف پسر داود از گرفتن زن خویش مریم مترس زیرا که آنچه در وی قرار گرفته است از روح القدس است».

۲۱- او پسری خواهد زاید و نام او را عیسی (یعنی «یهوه» نجات می بخشد) خواهی نهاد زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رها کند.

۲۲- و این همه بر او واقع شد تا کلامیکه خداوند به زبان نبی گفته بود تمام گردد.

۲۳- که اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زاید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است: «خدا با ما».

۱۲- چون عیسی در ایام هیروودیس پادشاه در بیت اللحم تولد یافت ناگاه مجوسی چند از مشرق به اورشلیم آمده گفتند: ۲- «کجاست آن مولود که پادشاه یهوه است زیرا که ستاره او را در مشرق دیده ایم و برای پرستش آمده ایم».

۳- اما هیروودیس پادشاه چون این را شنید مضطرب شد و تمام اورشلیم با وی. ۴- پس همه رؤسای کهنه و کاتبان قوم را جمع کرده از ایشان پرسید که مسیح کجا باید متولد شود. بدو گفتند:

۵- «در بیت اللحم یهودیه»

زیرا که از نبی چنین مکتوب است:

۶- «و توای بیت اللحم در زمین یهودا از سایر سرداران یهودا هرگز کوچکتر نیستی زیرا که از تو پیشوایی به ظهور خواهد آمد که قوم من اسرائیل را شبانی خواهد نمود».

۷- آنگاه هیروودیس مجوسیان را در ۱۶- چون هیروودیس دید که مجوسیان خلوت خوانده وقت ظهور ستاره را از او را سخریه نموده اند بسیار غضبناک ایشان تحقیق کرد. ۸- پس ایشان را به شده فرستاد جمیع اطفالی را که در بیت اللحم روانه نموده گفت: «بروید از احوال آن طفل بتدقیق تفحص کنید و چون یافتید مرا خبر دهید تا من نیز آموختم او را پرستش نمایم».

۹- چون سخن پادشاه را شنیدند روانه شدند که ناگاه آن ستاره ای که در مشرق دیده بودند پیش روی ایشان می رفت تا فوق آنجاییکه طفل بود رسیده بایستاد. ۱۰- چون ستاره را دیدند بی نهایت شاد و خوشحال گشتند.

۱۱- آنگاه کلامیکه به زبان ارمیای نبی گفته شده بود تمام شد: «آوازی در راه شنیده شد گریه و زاری و ماتم عظیم که راحیل برای فرزندان خود گریه می کند و تسلی نمی پذیرد زیرا که نیستند».

۱۱- به خانه در آمده طفل را با مادرش مریم یافتند و بروی در افتاده او را پرستش کردند و ذخائر خود را گشوده هدایای طلا- کندر- و مر بوی گذرانیدند.

۱۲- و چون در خواب وحی به ایشان در رسید که به نزد هیروودیس بازگشت نکنند پس از راه دیگر به وطن خویش مراجعت کردند.

۱۳- چون ایشان روانه شدند ناگاه فرشته خداوند در خواب به یوسف ظاهر شده گفت: «برخیز و طفل و مادرش را برداشته به مصر فرار کن و در آنجا باش تا به تو خبر دهم زیرا که هیروودیس طفل را جستجو خواهد کرد تا او را هلاک نماید».

۱۴- پس یوسف شبانگاه برخاسته طفل و مادر او را برداشته بسوی مصر روانه شد. ۱۵- و تا وفات هیروودیس در آنجا بماند

۱۸- چون هیروودیس وفات یافت فرشته خداوند در مصر به یوسف در خواب ظاهر شده گفت

۱۹- «برخیز طفل و مادرش را برداشته به زمین اسرائیل روانه شو زیرا آنانیکه قصد جان طفل داشتند فوت شدند».

۲۰- یوسف برخاسته طفل و مادر او را برداشت و به زمین اسرائیل آمد. ۲۱- اما چون شنید که ارکلاؤس به جای پدر خود هیروودیس بر یهودیه پادشاهی می کند از رفتن بدان سمت ترسید و در خواب وحی یافته به نواحی جلیل برگشت. ۲۲- و آمده در بلده ای مسمی به ناصره ساکن شد

تا آنچه به زبان انبیاء گفته شده بود تمام شود که: «به ناصری خوانده خواه شد».

تا کلامیکه خداوند به زبان نبی گفته بود تمام گردد: «که از مصر پسر خود را خواندم».

دو صفحه قبلی ترکیب کلی متن بابهای اول و دوم متی را در چهار ستون نشان می‌دهد: در یک قسمت جداگانه نسب نامه عیسی و سپس سه ستون موازی a,b,c که تمام آنها از یک روایت، یک رویا و باز روایت دوم تشکیل شده‌اند. یوسف، مریم و عیسی در هر چهار ستون حضور دارند.

روایها

ستون‌های a,b,c هر کدام روایی از یوسف را در بردارند (ستون رنگی)، روایی که یوسف در آن فرمانی از خدا را دریافت می‌دارد و بلافاصله پس از بیداری به انجام آن می‌کوشد. عبارات مشترک دو یا سه رویا را مقایسه کنید. دو روایی دیگر برای «اخطار» به یوسف (۲۲:۲) و مجوسیان (۱۲:۲) می‌باشند. این وقایع و بخصوص صحنه حرکت مجوسیان با راهنمایی ستاره، صحنه‌هایی «شبان» هستند!

نقل قول از عهد عتیق

از مجموع این شش روایت، پنج روایت، نقل قولی از عهد عتیق دارند (متون داخل کادر). قاعده نشان دادن سه نقل قول عهد عتیق را در پایین ستون‌های a,b,c مقایسه کنید. در حقیقت در ستون a نقل قول عهد عتیق قبل از جمله پایانی متن آمده است.

شاید بدین منظور که با نام عمانوئیل که نام عیسی نیست ختم نشود.

نامهای عیسی

از مجموع این پنج نقل قول، چهار نقل قول در بردارنده یکی از القاب عیسی هستند:

- «عمانوئیل=خدا/ با ما» (۱:۲۳ اشاره به اشعیا ۷:۱۴)

- «پیشوای قوم من بنی اسرائیل» (۲:۶ اشاره به ۲- سمو ۵:۲. میکاه ۵:۱)

- «پسر خود» (۲:۱۵ اشاره به هوشع ۱:۱۱)

- «ناصری» (۲:۲۳) متی در اینجا به هیچ متنی صریحاً اشاره نمی‌کند بلکه در

مورد نام ناصره با کلمات بازی می‌کند. چه با کلمه «NAZIR» (نذیره) به معنی «نذر شده» به مانند سموئیل جوان چه با کلمه «NEZER» به معنی «نهالی» از یسی، یعنی مسیح (اش ۱:۱۱).

دقت کنید که سه نقل قول آخری ستون‌های a,b,c، فعل «نامیدن» (بکار رفته در ۱:۲۱، ۲۵) را بکار برده‌اند. اولین کلمه تیترو: «مسیح» (۱:۱) آخرین کلمه نسب نامه نیز می‌باشد: «عیسی» مسمی به «مسیح» (۱:۱۶).

الهیات متی

عیسی مسیح پسر داود. او توسط یوسف، وارث وعده‌های داده شده به داود (که او نیز در بیت اللحم متولد شده) می‌شود. عیسی از تبار شاهان و حقیقتاً مسیح است. عنوان «پادشاه یهودیان» رقابت بین هیروودیس و عیسی را نشان می‌دهد. سرانجام هیروودیس می‌میرد و قوم در برابر عیسی سجده می‌کنند.

مسیح مشرکین. این مسیح که از سوی رؤسای یهود طرد شده بود توسط مشرکین جستجو و شناسایی شد. مجوسیان، کلیسای آینده را که مشرکین بسیاری به آن خواهند پیوست اعلام می‌دارند.

رازگذر. از هم اکنون تهدید عیسی به مرگ علنی می‌شود. هیروودیس خواهان قتل اوست. کودکان بیت اللحم کشته می‌شوند اما عیسی (فعالاً) از این مرگ می‌گریزد و این اشاره‌ای مرموز به مرگ و قیام اوست.

نسب نامه عیسی (متی ۱: ۱-۱۷)

نسب نامه ها جایگاهی پراهمیت در کتاب مقدس دارند. چرا که با شمارش اجداد یا اولاد یک شخصیت (یا یک گروه) عناوین و مناصب شاهان و کاهنان را مشروع یا تعلق به قوم بنی اسرائیل را اثبات می کنند.

آفرینشی نوین

متی انجیلش را اینگونه آغاز می کند: «کتاب نسب نامه عیسی مسیح...». همین

کلمات را در سفریبدایش در روایت آفرینش آدم می توان یافت: «این است کتاب پیدایش آدم در روزیکه خدا آدم را آفرید. به شبیه خدا او را ساخت» (پید ۵: ۱). متی معتقد است که با عیسی آفرینشی نوین آغاز می شود که تمام بشریت را ورای قومها و نژادها در برمی گیرد.



درخت یسا پدر داود

نام «عیسی مسیح» در ابتدا (آیه ۱) و در پایان نسب نامه (آیه ۱۶) زنجیره ای را تشکیل می دهد برای تأیید اینکه عیسی همان مسیح و از تبار پادشاهان است. آفرینش نوین که با او آغاز می شود برپایی ملکوت آسمانی است که از قبل انبیا اعلام کرده اند.

تاریخ بنی اسرائیل

متی اصرار بر تقسیم نسب نامه عیسی به سه دوره دارد (آیه ۱۷). دوره اول سران قوم از ابراهیم تا یسا، دوره دوم، پادشاهان از داود تا یکنیا (یاکین) و دوره سوم پس از تبعید از سالتیئیل تا یوسف. هر دوره متشکل از چهارده نسل است به قسمی که نام عیسی پس از شش سری نام آمده است و هر سری خود متشکل از هفت نسل است. عیسی سری جدید یعنی هفتمین سری و کمال زمان را افتتاح می کند که احتیاجی به نسل بعدی ندارد. عیسی علاوه بر میراث شاهانه از زمان داود پادشاه، کل تاریخ بنی اسرائیل از زمان ابراهیم را در خود دارد. از این پس در نام عیسی «جمع امتهای زمین برکت خواهند یافت» (پید ۲۲: ۱۸).

تولد ی به اراده خدا

عیسی از اعقاب پی در پی ابراهیم است. این تسلسل با یوسف قطع شده است. «... یوسف، شوهر مریم که عیسی مسمی به مسیح از او متولد شد». عیسی توسط یوسف وارث مشروع وعده و «پسر داود» نامیده می شود. تولدش به گونه ای دیگر است و تبار الهی اش از همان آغاز انجیل تأیید شده است. متی قبل از نام بردن از مریم از چهار زن دیگر یعنی تامار، راحاب، روت و بتشعیم نام می برد. طبق سنت یهود اینان از دید انسانی به گونه ای «نامشروع» مادر شده اند. اما از دید ایمانی خدا به جهت ایمانشان تولد داود و سپس پسر او سلیمان را مهیا می سازد. در ماجرای مریم، «که عیسی از او متولد شد»، خدا مستقیماً دخالت می نماید.

بشارت به یوسف (مت ۱: ۱۸-۲۵)

عیسی کیست؟ متی در پاسخ به این پرسش چنین می گوید: «ولادت عیسی مسیح چنین بود». ولادت (به زبان یونانی «پیدایش») عیسی به مانند آفرینشی نوین است. متی در آیات بعدی کتابش خواهد گفت که عیسی مسیح پسر کیست؟

روایت مزده تولد

اینگونه روایات اعلام تولد به خوبی در کتاب مقدس شناخته شده اند برای مثال تولد اسماعیل و اسحاق (پید ۱: ۱۶-۱۸) یا تولد شمشون (داور ۱۳). در انجیل لوقا نیز به دو «بشارت» به زکریا و مریم (رک به ص ۲۲ بشارت به مریم) اشاره شده است. طرح روایت همیشه یکسان است.

- معرفی شخصیتها
- ظهور یک پیام آور («فرشته») که باعث ترس و وحشت می شود.
- پیامی از سوی خداوند
- اعتراض شخصیت
- پاسخ پیام آور با استناد به یک آیت
- تحقق بشارت یعنی ولادت.

در روایت متی این بشارت در خواب اعلام می شود که بیانگر این است که یوسف هیچ ترسی نشان نمی دهد هر چند که فرشته با کلمه «ترس...» با او آغاز به سخن کرده است. وانگهی یوسف هیچ نمی گوید (توجه داشته باشید که هیچ سخنی از او در انجیل نوشته نشده است). از سوی دیگر فرشته هیچ آیتی نمی دهد بلکه تنها به عهدعتیق اشاره می کند. جالب است از خود بپرسیم برای چه؟

نسب نامه عیسی بنا به نوشته لوقا

لوقا نسب نامه را پس از صحنه تعمید عیسی (۳: ۲۳-۳۸) بلافاصله پس از صدایی که از آسمان می آید «تو پسر من هستی» و قبل از آغاز رسالت نجات بخشش می نویسد (مانند نسب نامه موسی خروج ۶: ۱۴-۲۰). این لیست طولانی که حاوی هفتاد و هفت نام است از نام عیسی تا به نام «آدم، پسر خدا» باز می گردد. اسامی که لوقا نوشته با اسامی نوشته شده توسط متی (جز در مورد داود و ابراهیم) متفاوتند. لوقا نیز مشروعیت سلسله اعقاب را توسط یوسف می نمایاند: «عیسی بر حسب گمان خلق پسر یوسف بود». از نظر لوقا تاریخ قوم برگزیده در عیسی تحقق می یابد اما عیسی بیش از هر چیز آدم انسانیت جدید است.

پسر داود

در اینکه عیسی کودک مریم است هیچ شکی نیست اما در مورد اجداد مریم اطلاعی در دست نداریم. اگر مسیح می بایست طبق وعده کهن ناتان (۲- سمو ۷) پسر داود باشد از طریق یوسف است و نه مریم. باری دو نسب نامه متفق القول می شوند تا بلکه ثابت کنند که یوسف از سلاسه داود است. یوسف شوهر مریم است؛ متی در انجیل سه مرتبه به این امر اشاره می کند: «نامزد یوسف» «شوهر وی یوسف»، «مریم، همسر خود»، اما «پیش از آنکه با هم آیند، خود را از روح القدس باردار یافت».

فاصله بین ازدواج و زندگی مشترک مریم و یوسف بسیار طبیعی بود چرا که عروسها اغلب بسیار جوان و در سنین ۱۳ تا ۱۴ سال بودند. تعهد زوجین امری بسیار جدی بود پس می توان تردید یوسف و اندیشه جدایی اش از مریم را به خوبی درک کرد. از همین رو اولین کلمات فرشته «یوسف، پسر داود» اهمیت بسیار دارند. یوسف با بردن مریم به خانه اش و با پذیرفتن فرزند او چون فرزند خود «یعنی آنچه را فرشته خداوند به او امر کرده بود»، عیسی را ذریت مشروع داود می سازد.

پسر خدا

متی می خواهد عیسی را نه تنها پسر داود و وارث وعده بلکه پسر خدا معرفی کند. چگونه؟ او هیچگاه عیسی را به یوسف نسبت نمی هد بلکه همیشه در یک سواز یوسف و در سوی دیگر از «کودک و مادرش» سخن می گوید. و در دو آیه بر عمل روح القدس تأکید دارد: «خود را از روح القدس باردار یافت»، «آنچه که در وی قرار گرفته، از روح القدس است». بدین ترتیب کودک معلول قدرت خلاق خداست. پیام آوری که به نزد یوسف می آید «فرشته خداوند» است؛ خداوند بهنگام تجلی اش به انسان خود را اینگونه معرفی می کند. و همین اوست که تولد اسرار آمیز کودک را

به یوسف می نمایاند. در این متن مطلبی قابل مقایسه با متون افسانه ای تولد نیمه خدایان (متولد از یک خدا و یک زن یا از یک مرد و یک الهه) نمی توان یافت. «پیدایش» مسیح در متون نمادی آمده است. نام عیسی (یهوه نجات می بخشد) با نام دیگری «عمانوئیل به معنی خدا با ما» مقایسه شده است. اما درباره یوسف تصریح کرده است که «تا پسر نخستین خود را نزیاید او را نشناخت و او را عیسی نام نهاد».

یوسف مردی صالح

متی یوسف را «مردی صالح» معرفی می کند. تصمیم مشکلی که یوسف در رابطه با مریم می خواست به مرحله اجرا بگذارد باعث تفسیرات بسیاری گشته است. «نخواست او را عبرت نماید»، این کار می تواند عدالت او شمرده شود. اما به نظر می رسد که طلاق در خفا هیچگاه پذیرفته نشده است. برگرداندن قانونی یک زن حتی قبل از زندگی مشترک احترام عموم را در بر داشت اما افشاء نکردن یک زن فاحشه از سوی مردی صالح اشتباه بحساب می آمد. آیا متی می خواهد بگوید که یوسف از اینکه خود را پدر کودکی بداند که از آن وی نیست ابا دارد؟ متی پاسخ روشنی در این مورد ندارد.

آنچه که قویاً تأکید شده این است که یوسف به پیام خدا گوش فرا داده و به او اطمینان می کند. خداوند جز از کتاب مقدس آیت دیگری به یوسف نمی دهد. اولین خوانندگان انجیل متی بخوبی کتاب اشعیا را می شناختند: «آیتی در میان ایشان برپا خواهم داشت...» برای یوسف صالح تنها کلام خداوند کافی است. او در انجام آنچه که انجام می دهد، «آنچه که خداوند امر فرموده بود» نیز صالح است. متی در این مورد برخلاف نویسندگان اناجیل جعلی، رمان نویسان و خوانندگان که بارها و بارها داستان یوسف را به کمک قوه تخیلشان سروده اند، توضیح بیشتری نمی دهد.

در عالم خواب

از نظر پدیده روانکاوی چون کهن ترین باور عموم، خواب بیانگر مخفی ترین اسرار قلبی انسان است. بسیاری خواب را وسیله ای برای دریافت پیامی از خداوند دانسته اند. میل به خود خود را شناختن، پیش بینی آینده خویش و اراده خدایان انسان را وادار به حل معمای خواب کرده است.

یوسفی دیگر در کتاب مقدس توسط برادرانش «صاحب خوابها» نامیده شده است (پید ۳۷:۱۹). او در عالم خواب آینده خود را بطور مبهم می بیند و سالها پس از آن در مصر خوابهای فرعون و سردارانش را تعبیر می کند. خواب یوسف شوهر مریم در ارتباط با مشغولیتهای فکری اش است که در آن صدای پروردگار را شنیده، پاسخ پرسش و رسالتی را دریافت می کند.

ابوت یوسف

ابوت یوسف برای عیسی بیش از تصور ما اهمیت داشته است. برای خواندن آنکه همگان خدایش می خوانند، برای مشخص کردن حضوری چنین نزدیک که همه را می پذیرد، آنکه عیسی او را همیشه با خود یک می دانست، عیسی همان نامی را بر زبان می آورد که صمیمانه برای نامیدن یوسف بکار می برد: «پدر، بابا، ابا». و به هنگام توضیح این الفت حیرت آور با خدای اسرائیل که ادعا می کرد هنوز آفرینش را ادامه می دهد، عیسی ساده ترین کلمات دوران نوآموزی اش در ناصره را به کار می برد. «پدر من تا کنون کار می کند و من نیز کار می کنم... آنچه او می کند پسر نیز همان را می کند زیرا پدر پسر را دوست دارد و هرآنچه را خود می کند به او می نماید» (یو ۵:۱۶، ۱۹-۲۰).

نام عیسی

نام عیسی برداشتی یونانی از نام عبری یهوشوعا Yehoshoua (به تلخیص Yeshoua ایشوعا یا به زبان عربی امروز یسوع) به معنی «یهوه نجات می دهد» است. یسوع در واقع همان یوشع (یا اشعیا، هوشع و الیشع) است. در کتاب مقدس کسان دیگری را نیز با نام عیسی می شناسیم: «عیسی، پسر سیراخ» نویسنده کتاب حکمت عهد عتیق؛ بن سیراخ.

نسب نامه لوقا به «عیسی پسر الیعازر» اشاره می کند (لو ۳:۲۹). بعضی از دست نوشته های متی از شخصی مسمی به «عیسی باراباس» در روایت رنج عیسی سخن می گویند (مت ۲۷:۱۶-۱۷). رساله به کولسیان نیز در میان همکاران پولس به «یسوع ملقب به یستوس» اشاره می کند (کول ۴:۱۱).

بنابه قول متخصصین کلمه عیسی را یهودیانی ابداع کرده اند که عیسی را بعنوان مسیح رد کرده و خواهان ریشخند نام او بودند. چرا که عیسی نام عیسو برادر یعقوب نیز هست که عهد خداوند را در مقابل ظرفی آش عدس رد کرده بود و به همین سبب در میان یهودیان به بدی مشهور است برخلاف برادرش یعقوب که نام جدیدش اسرائیل می باشد. لازم به تذکر است که در صدر اسلام یهودیان بسیاری در عربستان سکونت داشتند.

بنی اسرائیل و مسیحش

متی در این روایت رویارویی در انجیل را نشان می‌دهد: عیسی با سران اورشلیم به مخالفت برمی‌خیزد و آنان به منظور حفظ آرامش و انتظامشان او را از سر راه برخواهند داشت. در حقیقت هیرودیس از بنی ادوم بود و نه یهودی اما اطرافیان او، کاهنان بزرگ و کاتبان (دادگاه عالی یهود که عیسی را محکوم خواهد کرد) بخوبی از عهدعتیق مطلع بودند بنابراین می‌توانستند بگویند مسیح کجا باید متولد شود. اما هیچ کدام نخواستند به خود زحمت داده برای دیدن نوزاد به بیت اللحم (در فاصله ۸ کیلومتری) بروند. بلکه با دانش خود در اورشلیم ماندند. « زیرا می‌گویند و نمی‌کنند» (متی ۲۳:۳).

ایمان مشرکین

مجوسیان در حقیقت نه تنها پادشاه نیستند بلکه منجمانی بابلی می‌باشند. خداوند با این مشرکین که حقیقت را در ستارگان می‌جویند با ستاره ای سخن می‌گوید. اما برای پیدا کردن پادشاه یهودیان تنها بسنده کردن به یک ستاره کافی نیست. مجوسیان محتاج راهنمایی قوم یهود و کتابهایشان هستند. پس به لطف ستاره (دانششان) و کتاب مقدس (کلام خدا به بنی اسرائیل) آنان سرانجام به بیت اللحم می‌رسند و «طفل را با مادرش مریم» می‌یابند. او را می‌پرستند و سه پیشکش گرانها را تقدیمش می‌کنند (بدلیل همین سه پیشکش تصور عام بر این است که آنان سه تن بودند). متی اشاره به طلا و بخور (اشعیاء ۶۰:۶ و مزامیر ۷۲:۱۰، ۱۵) می‌کند. به هر جهت مسیحیان این متون را بیاد خواهند داشت چرا که سه مجوسی را تبدیل به شاهان شترسوار کرده اند.

مسیحیان تمثیل خارق العاده دیگری نیز آفریده اند یعنی این «سه» مجوسی را از سه نژاد مختلف معرفی می‌کنند تا نشان دهند که تمام ملل جهان برای شناختن عیسی، یک یهودی کوچک، مسیح و شاه تمام اقوام دعوت شده اند. خداوند کلام خود را برای هر قوم با فرهنگ خاص آن قوم بیان کرده و بدین طریق تمام «جویندگان خدا» را به سوی عیسی جلب می‌کند.

پادشاه یهودیان و مشرکین (متی ۲:۱-۱۱)

عیسی «در ایام هیرودیس پادشاه» به دنیا آمد. اما مجوسیان در واقع با پرسش، کجاست آن مولود که پادشاه یهود است؟ عنوان شاهانه اش را انکار می‌کنند... کدام یک پادشاه حقیقی است؟ هیرودیس یا نوزادی ناشناس؟

پادشاه یهودیان کیست؟

هیرودیس بفکر چاره ای برای رهایی از این رقیب جدید است. چنانکه در گذشته نیز رقیبانی دیگر و حتی نزدیکان خود را از میدان بدر برده است. کاتبان در پاسخ پرسش هیرودیس می‌گویند که مسیح، همانند داود باید در بیت اللحم بدنیا آید. در حقیقت در ادامه روایت، هیرودیس عنوان شاهی ندارد. مجوسیان در مقابل نوزاد سجده کرده و هدایایی در شأن و مرتبه یک پادشاه تقدیمش می‌کنند.



یعقوب و اسرائیل نوین

بسیار پیش از موسی، یعقوب به دعوت پسرش یوسف به مصر آمد. در آنجا پدر قومی بزرگ گشت، قومی که بعدها موسی آن را آزاد خواهد کرد. نقل قولی از هوشع (۱:۲) «پسر خود را از مصر فرا خواندم» عیسی را به عبرانیان که طی خروج با موسی از مصر بیرون آمدند نسبت می دهد.

متی قتل کودکان را با نقل قولی از ارمیاء نبی توضیح می دهد. نبی خطاب به راحیل، زن محبوب یعقوب، از سرزمین شمالی اورشلیم نام می برد که اهالیش به بابل تبعید شده اند. زندانیان قبل از تبعید در رامه جمع شده بودند. «آوازی در رامه شنیده شد ماتم و گریه بسیار تلخ که راحیل برای فرزندان خود می گریه و برای خود تسلی نمی پذیرد زیرا که نیستند» (ار ۱۵:۳۱).

اما در ادامه، وحی الهی نجات را چون رستاخیزی پس از تحمل مشقات صلیب اعلام می دارد:

«آواز خود را از گریه و چشمان خویش را از اشک باز دار، ایشان از زمین دشمنان مراجعت خواهند نمود. به جهت عاقبت تو امید هست. فرزندان تو به حدود خویش خواهند برگشت» (۱۶:۳۱).

قتل عام در بیت اللحم (متی ۲: ۱۶-۱۸)

قتل عام «کودکان بی گناه» روایتی است بسیار کوتاه و مختصر بین دو مسافرت یوسف با «کودک و مادرش» برای فرار به مصر و بازگشت از آنجا. متی که تنها انجیل نگاری است که از این مطلب سخن می گوید چرا این خروج عیسی کودک را بیاد می آورد؟ آیا این خروج در ارتباط با قتل عام کودکان است؟

هیروودیس خونخوار که به دلیل منافع حکومتی فرمان قتل کودکان بیت اللحم را داد فرعون را بیاد می آورد که فرمان قتل تمام کودکان ذکور عبرانیان را داده بود (خروج ۱: ۱۵-۲۲). موسای کوچک که از مرگ گریخت چون بزرگ شد می بایست برای فرار از خشم فرعون به سرزمین مدیان بگریزد. به همان ترتیب یوسف می بایست برای اجتناب از مرگ عیسی تا به هنگام مرگ هیروودیس به مصر بگریزد. فرشته او را از مرگ هیروودیس مطلع می سازد: «... زیرا آنان که قصد جان طفل داشتند، فوت شدند» (۲: ۲۰). تنها هیروودیس مرده است اما متی صورت جمع این جمله که آن را از سفر خروج بازنویسی نموده حفظ می نماید: «خداوند در مدیان به موسی گفت: «روانه شده به مصر برگرد زیرا آنانیکه در قصد جان تو بودند مرده اند.»» (خروج ۴: ۱۹)

عیسی تمام جور و ستمها از زمان فرعون تا هیروودیس، رنج و آزار و مصائب پس از آن را بر عهده می گیرد. عمانوئیل یعنی خدا با ما خروجی نهایی دارد. او ما را در مرگ و رستاخیزش نجات می دهد. قتل کودکان تمثیلی از رنج و شکنجه عیسی محکوم شده توسط سران قوم یهود (کاهنان و پیلطس) می باشد.



دیدار مریم از الیزابت

توصیف این دیدار در صفحه بعد آمده است. توازی همچنان (بین دو تمجید و ستایش) ادامه دارد. اما «دیدار مریم از الیزابت» به منزله انجام و تحقق امر است. دو مادر و در نتیجه توسط آنها دو طفل با هم ملاقات می کنند. اما لوقا اختلافی را بیان می کند: مادر یحیی زبان به تمجید مریم می گشاید و مریم در پاسخ خداوند را تسبیح می گوید.

دو ولادت

هر چه بیشتر در روایت کودکی تعمق کنیم بیشتر به اختلافات دو روایت پی می بریم. آیا این اختلافات بدلیل ۵۲ آیه ای تخصیص داده شده به عیسی در مقابل ۲۳ آیه ای که به یحیی تخصیص داده شده نیست. صحنه هایی که آینده عیسی را پیشاپیش نقل می کنند در روایت یحیی دیده نمی شوند.

- مژده تولدش به فقرا و چوپانان (نشانه موعظه عیسی به حقیران).
- شمعون در معبد از روح القدس پر گشته رسالت جهانی عیسی را اعلام می دارد.
- بالاخره عیسی در دوازده سالگی یعنی در آغاز دوران بلوغ در حال تعلیم کاهنان در معبد نشان داده شده است.

نظری اجمالی بر بابهای اول و دوم انجیل لوقا

روایات کودکی عیسی در انجیل لوقا تفاوت بسیاری با روایت انجیل متی دارند. یقیناً عیسیای کودک از نظر متی و لوقا، خداوند رستاخیز کرده و پسر خداست. اما لوقا مسائلی متفاوت با مسائل متی را در انجیلش بحث کرده است. این دو صفحه توضیحاتی بر انجیل لوقا دارد.

در حقیقت لوقا روایت کودکی عیسی و نیز یحییی تعمید دهنده را که از نظر کلیسای اولیه شخصیتی بسیار مهم است به موازات هم حکایت می کند. برخی معتقدند نظر به اینکه عیسی توسط یحیی تعمید گرفت الزاماً شاگرد او بوده است. لوقا مایل به روشن کردن وضعیت است. از نظر او یحیی منادی بیش که راه خداوند را باز می کند نیست. عیسی پسر خدا، نجات دهنده ای است که باید به دنبالش رفت. با اینکه لوقا داستان این دو کودکی را به موازات هم نقل می کند اما عیسی کم کم تمام روایت را به خود اختصاص می دهد.

بشارتها

توازی این دو بشارت متحیر کننده است. اما نگاهی دقیق اختلافات موجود در این ساختار موازی را آشکار می سازد. برای مثال پیام جبرائیل در اعلام مژده به مریم بسط بیشتری یافته و مریم به نوعی دیگر یعنی در ایمان کامل آن را پذیرفته است. بعلاوه جبرائیل نیز با عباراتی متفاوت با مریم سخن می گوید. زکریا کاهنی است در معبد اورشلیم، جمعیتی انبوه بیرون از معبد در انتظار او هستند. مریم تنها و ناشناس در دهکده کوچک ناصره در جلیل بسر می برد.

نظری اجمالی بر بابهای اول و دوم انجیل لوقا

بشارت تولد یحیی به زکریا (۱:۵-۲۵)

- ۱- معرفی طولانی زکریا (۵-۱۰)
 - ۲- ظهور جبرائیل فرشته به زکریا (۱۱)
 - ۳- وحشت زکریا (۱۲)
 - ۴- پیام فرشته (۱۳-۱۷)
- الف- «زکریا»

ج- «ای زکریا ترسان مباش، زیرا دعای تو مستجاب گردیده است»

ه- «زوجه ات الیزابت برای تو پسری خواهد زایید»

و- «و او را یحیی خواهی نامید»

ز- «چرا که او در حضور خداوند بزرگ خواهد بود

و از شکم مادر خویش از روح القدس پر خواهد بود

بسیاری از بنی اسرائیل را بسوی خداوند، خدای ایشان خواهد برگردانید

به روح و قدرت الیاس پیش روی وی خواهد خرامید»

۵- پرسش: «این را چگونه بدانم و حال آنکه من پیر هستم...» (۱۸)

۶- پاسخ: «من جبرائیل هستم» (۱۹)

۷- نشانه داده شده: «الحال تا این امور واقع نگردد گنگ شده یارای حرف زدن

نخواهی داشت زیرا سخنهای مرا باور نکردی.» (۲۰)

۸- نتیجه: زکریا چون بیرون آمد نتوانست با ایشان حرف زند، به خانه خود

رفت. (۲۱-۲۳).

دیدار مریم از الیزابت (۱:۳۹-۵۶)

ستایش مریم

سرود ستایش مریم (۴۷-۵۵)

«روح من بررهاننده من خدا

به وجد آمد...»

زیرا آن قادر، به من کارهای عظیم

ستایش الیزابت (۴۱:۴۵)

«بچه در رحم او به حرکت آمد.

مادر خداوند من نزد من آید؟

تو در میان زنان مبارک

مریم قریب سه ماه نزد او ماند و سپس به خانه خود مراجعت کرد. (۵۶)

تولد و ختنه یحیی (۱:۵۷-۸۰)

۱- تولد کودک: «چون الیزابت را وقت وضع حمل رسید» (۵۷-۵۸)

۲- ختنه کردن کودک: «در روز هشتم چون برای ختنه طفل آمدند» (۵۹)

۳- نامگذاری کودک: «مادرش ملتفت شده گفت: «نه بلکه به یحیی نامیده

می شود.» (۶۰-۶۳)

۴- نبوت زکریا در مورد کودک: سرود زکریا (۶۷-۷۹)

۵- رشد و نمو کودک «طفل نمو کرده و در روح قوی می گشت...» (۸۰)

بشارت تولد عیسی به مریم (۱: ۲۶-۳۸)

۱- معرفی کوتاه مریم (۲۶-۲۷)

۲- ظهور جبرائیل فرشته به مریم (۲۸)

۳- پیام فرشته (۲۸-۳۳)

الف- «سلام بر تو»

ب- «ای نعمت رسیده، خداوند با توست»

۴- وحشت مریم

ج- «ای مریم ترسان مباش، زیرا که نزد خدا نعمت یافته‌ای».

د- «اینک حامله شده»

ه- «پسری خواهی زایید»

و- «و او را عیسی خواهی نامید»

ز- «او بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی مسمی شود

خداوند، خدا تخت پدرش داود را به وی عطا خواهد کرد. او بر

خاندان یعقوب تا به ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد

بود».

۵- پرسش: «این چگونه می‌شود؟ حال آنکه مردی را نشناخته‌ام؟» (۳۴)

۶- پاسخ: «روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد

افکند از آن جهت آن مولود مقدس پسر خدا خوانده خواهد شد» (۳۵).

۷- نشانه داده شده: «اینک الیزابت از خویشان تو نیز در پیری به پسری حامله

شده است» (۳۶-۳۷).

۸- نتیجه: «اینک کنیز خداوندم، مرا بر حسب سخن تو واقع شود».

و فرشته از نزد او رفت (۳۸).

تولد و ختنه عیسی (۱: ۲-۵۲)

مقدمه: سرشماری؛ یوسف همراه مریم به بیت اللحم رفت (۱-۵).

۱- تولد عیسی: «هنگام وضع حمل او فرا رسید» (۶-۷)

اعلام مژده به چوپانان (۲: ۸-۲۰)

۲- ختنه کردن عیسی: «چون روز هشتم وقت ختنه طفل رسید» (۲۱)

۳- نام گذاری عیسی: «او را عیسی نام نهادند، همچنان که فرشته و قبل از قرار

گرفتن او در رحم او را نامیده بود» (۲۱).

تقدیم عیسی در معبد (۲: ۲۲-۳۹)

۴- نبوت شمعون و حنا در مورد کودک در معبد

۵- رشد و نمو کودک: «طفل نمو کرده به روح قوی می‌گشت...» (۴۰)

عیسی در دوازده سالگی در معبد تعلیم می‌داد (۲: ۴۱-۵۲).

بشارت‌های آخرتی

(کتاب صفتبای نبی ۳: ۱۴، ۱۶)

«ای دختر صهیون ترنم نما،

ای اسرائیل آواز شادمانی بده.

ای دختر اورشلیم

به تمامی دل شادمان شو و وجد نما.

ای صهیون مترس

نبوت‌های مسیحایی

(کتاب دوم سموئیل ۷: ۱۲-۱۶)

«ذریه ترا که از صلب تو بیرون آید

بعد از تو استوار خواهد ساخت

و سلطنت او را پایدار خواهیم کرد.

او برای اسم من خانه‌ای بنا خواهد نمود

و کرسی سلطنت او را تا به ابد پایدار

خواهم ساخت.

من او را پدر خواهم بود

و او مرا پسر خواهد بود

دست‌های تو سست نشود

یهوه خدایت در میان تو قدیر است

و نجات خواهد داد

او بر تو شادی بسیار خواهد نمود». (کتاب زکریای نبی ۹:۹ رک ۱۴:۲)
«ای دختر صهیون بسیار وجد نما
و ای دختر اورشلیم آواز شادمانی بده
اینک پادشاه تو نزد تو می آید».

خانه و سلطنت تو

تا به ابد به حضور من پایدار خواهد شد
و کرسی تو تا به ابد استوار خواهد ماند».

بشارت ولادت به مریم (لوقا ۱: ۲۶-۳۸)

۲۶- در ماه ششم جبرائیل فرشته از جانب خدا به بلدی از جلیل که ناصره نام داشت فرستاده شد. ۲۷- نزد باکره ای نامزد مردی مسمی به یوسف از خاندان داود و نام آن باکره مریم بود.
۲۸- پس فرشته نزد او داخل شده گفت سلام بر تو ای نعمت رسیده. خداوند با توست و تو در میان زنان مبارک هستی. ۲۹- چون او را دید از سخن او مضطرب شده متفکر شد که این چه نوع تحیت است.
۳۰- فرشته به او گفت: ای مریم ترسان مباش زیرا که نزد خدا نعمت یافته ای. ۳۱- و اینک حامله شده پسری خواهی زایید و او را عیسی خواهی نامید. ۳۲- او بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی مسمی شود و خداوند خدا تخت پدرش داود را به او عطا خواهد فرمود. ۳۳- و او بر خاندان یعقوب تا به ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود.
۳۴- مریم به فرشته گفت این چگونه می شود و حال آنکه مردی را نشناخته ام.
۳۵- فرشته در جواب وی گفت روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند از آن جهت آن مولود مقدس پسر خدا خوانده خواهد شد.
۳۶- و اینک الیزابت از خویشان تو نیز در پیری به پسری حامله شده و این ماه ششم است. مرا و را که نازاد می خواندند. ۳۷- زیرا نزد خدا هیچ امری محال نیست.
۳۸- مریم گفت: اینک کنیز خداوندم. مرا بر حسب سخن تو واقع شود پس فرشته از نزد او رفت.



(کتاب اشعیاء نبی ۱۴:۷)

روح

«اینک باکره حامله شده،

پسری خواهد زایید

و نام او را عمانوئیل خواهد نامید.»

(۵:۹-۶)

«زیرا که برای ما ولد زاییده

پسری به ما بخشیده شد

ترقی و سلطنت و سلامتی او را

بر کرسی داود و بر مملکت وی

انتها نخواهد بود.»

(۱۱:۱-۲)

«و نهالی از تنه یسی بیرون آمده

شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت

روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت.»

(سفر پیدایش ۲:۱)

روح خدا سطح آبها را فرو گرفت.

(سفر خروج ۳۴:۴۰)

آنگاه ابر خیمه اجتماع را پوشانید و

جلال خداوند مسکن را پر ساخت.

(مزامیر ۱:۹۱)

آنکه در ستر حضرت اعلی نشسته است

زیر سایه قدرت مطلق ساکن خواهد بود.

یقیناً من با تو خواهم بود و مدیان را مثل یک نفر شکست خواهی داد. او وی را گفت
اگر الان در نظر تو فیض یافتم پس آیتی به من بنما که تو هستی که با من حرف
می زنی.

ارمیاء (۸:۱)

«از ایشان مترس. من با تو هستم و ترا رهایی خواهم داد.»

بشارتهای مکاشفه ای

(دانیال ۸:۱۵-۱۶، ۹:۲۱-۲۳)

«و چون من دانیال رؤیا را دیدم و معنی آن را طلبیدم ناگاه شبیه مردی نزد من
بایستاد. و آوازی ندا کرده می گفت: ای جبرائیل این مرد را از معنی این رؤیا مطلع
ساز.»

جبرائیل که او را در رؤیای اول دیده بودم به سرعت پرواز نموده به نزد من رسید
و مرا اعلام نمود و گفت: ای دانیال من بیرون آمده ام تا ترا فطانت و فهم بخشم. در
ابتدای تضرعات تو امر صادر گردید و من آمدم تا ترا خبر دهم زیرا که تو بسیار
محبوب هستی پس در این کلام تأمل کن و رؤیا را فهم نما.

جبرائیل

این نام به مفهوم «مرد خدا» و «خداوند قدیر» است. جبرائیل در عهد جدید
تنها در دو اعلام بشارت به زکریا و مریم ظاهر می شود. اما در عهد عتیق جبرائیل به
مانند میکائیل و رافائل پیام آوری است که خداوند او را می فرستد. در کتاب دانیال
(۸:۱۵، ۹:۲۱) جبرائیل مأمور توضیح و تشریح رؤیاهای دانیال در مورد زمان آخر
است. پس جای تعجب نیست که او را در عهد جدید در دو اعلام بشارت نجات به
زکریا و مریم باز یابیم. در عین حال که حضور جبرائیل در این روایات بسیار نمادی
است اما او این بشارتها را در روایات کتاب مقدس ثبت می کند.

دعوت الهی

اسحاق (پید ۲۶:۲۴)

«ترسان مباش زیرا که من با تو هستم و ترا برکت می دهم...»

موسی (خروج ۳:۱۲)

«البته با تو خواهم بود.»

جدعون (داور ۶:۱۲-۱۷)

فرشته خداوند بر او ظاهر شده وی را گفت: ای مرد زورآور بهوه با تو است... او در
جواب وی گفت: آه ای خداوند چگونه اسرائیل را رهایی دهم اینک خاندان من در
منسی ذلیل تر از همه است و من در خانه پدرم کوچکترین هستم. خداوند وی را گفت:

سبکهای ادبی

متن انجیل لوقا متشکل از چندین سبک ادبی از قبیل دعوت‌های الهی، بشارت ولادت، مکاشفه و نبوت‌های مسیحایی است. لوقا در این راه از منابعی چون ترجمه هفتادتنان و کتاب مقدس یهود به زبان یونانی در زمینه‌ای که با ایمان مسیحیان کلیسای قرن اول میلادی تلاقی می‌کند استفاده کرده است: عیسی از زنی به نام مریم متولد شد. او مسیح بنی اسرائیل و پسر خداست.

ایمان کلیسا

این متن بیشتر اعتراف به ایمان و حکمت الهی است تا شرح یک واقعه مهم. جوامع یهودیان و مسیحیان عصر لوقا عیسی را پسر داود و مسیح اعلام کردند (اع ۱۳:۳۲، ۳۷ روم ۱:۲، ۴ عبر ۱:۵، ۹). این همان چیزی است که آیه‌های ۳۲-۳۳ بیان می‌کنند. اما در دومین ظهور فرشته در آیه ۳۵ گفتار جوامع یونانی منعکس شده است. طرفین ایمان دارند که عیسی پسر خداست. محکومیتش به دلیل همین عنوان پسر خدا خواهد بود (لو ۲۲:۷۰). اولین و آخرین کلام عیسی در انجیل لوقا به وضوح کلام پسر خداست (۲:۴۹، ۲۳:۴۶).

واقعه‌ای تعیین کننده

ایمان به عیسی ریشه در اعصار دارد. عناصر تشکیل دهنده داستان چون تاریخ وقوع حوادث، نام مکان‌ها و اشخاص (جلیل، ناصره، یوسف، داود، یعقوب و الیزابت) حقیقت ورود عیسی در تاریخ بشریت را نشان می‌دهد. مریم از همان ابتدا اطمینان داشت که این تولد در تاریخ نجات انسانها تعیین کننده خواهد بود. به همین دلیل انجیل لوقا انجیلی «مکاشفه‌ای» است. خدا در این انجیل می‌گوید که زمان آخر از این لحظه آغاز شده است. پاسخ داده شده به پرسش مریم پاسخی است مافوق پرسش مریم.

بشارتهای ولادت

هاجر مادر اسماعیل (پید ۱۶-۱۱) و فرشته خداوند ویرا گفت: «اینک حامله هستی و پسری خواهی زایید و او را اسماعیل نام خواهی نهاد».

ساره، مادر اسحاق (پید ۱۸:۱۰-۱۴)

و خداوند گفت: «مگر هیچ امری نزد خداوند مشکل است در وقت موعود موافق زمان حیات نزد تو خواهم برگشت و ساره را پسری خواهد شد».

مادر شمشون (داور ۱۳:۳، ۵)

فرشته خداوند به آن زن ظاهر شده او را گفت: «اینک تو حال نازاد هستی و نزاییده‌ای لیکن حامله شده پسری خواهی زایید... آن ولد از رحم مادر خود برای خدا نذیره خواهد بود و او به رهانیدن بنی اسرائیل از دست فلسطینیان شروع خواهد کرد».

چهار صفحه * پیشین اعلام بشارت و مجموع روایات کتب مقدس در ارتباط با آنها را بررسی کردند. حال تفکر ادبی لوقا که ایمان کلیسا را در این متن بسیار ساده توضیح داده است بررسی کنیم

مریم و کلیسا

جبرائیل از آینده با مریم سخن می گوید تا نشان دهد که فرصت اندیشیدن برای جواب «بله» دادن به انسان داده شده است. این فرصتی است برای ایمان. لوقا به کلیسا آموزش می دهد. در آن عصر چون عصر ما پذیرش عطیه خداوند از جانب مریم می بایست در تاریخ بسط یابد. لوقا مریم را به مانند نمونه کسی معرفی می کند که در خدمت آنچه که دریافته است، به کلیسای تازه متولد شده که ایمان و مأموریتش را سازمان می دهد، تعلیم می دهد. ایمان مریم که تمام متن را در بر می گیرد (آیه ۳۸) شادی خداوند در ابتدای متن را منعکس می سازد (آیه ۲۹-۳۰). این پیامی شاد و متأثر از سرور خداوند است که سرانجام به انسان داده شد.

ختنه و طهارت (لوقا ۲: ۲۱-۳۹)

لوقا می نویسد که عیسی نیز همچون تمام نوزادان پسر یهودی یک هفته پس از تولد ختنه شد؛ پس او یک یهودی اصیل است. اما به چه منظور عیسی را ختنه و به معبد تقدیم نمودند؟

ختنه:

عمل ختنه عبارت است از بریدن غلفه با چاقویی از سنگ چخماق. آیین ختنه سالیان سال قبل از عصر مسیح در میان یهودیان رواج داشت. در خاور نزدیک آن عده اقوام بیشماری از جمله مصریان آن را انجام می دادند البته نه طبق قاعده ای خاص. این آیین در میان اقوام آشور و بابل مرسوم نبود اما در میان بنی اسرائیل بدواً به هنگام ازدواج اجرا می شد همچون بیشتر آفریقائیان که امروزه به هنگام ورود یک نوجوان به میان افراد بالغ این آیین را انجام می دهند (ابراهیم، اسماعیل را در سیزده سالگی ختنه کرد).

اولین متنی که از عمل ختنه یاد می کند مربوط به عهد ابراهیم می شود: «هر ذکوری از شما مختون شود... تا نشان آن عهدی باشد که در میان من و شماست» (پید ۱۷: ۱۰-۱۱). این متن مربوط به زمان تبعید به بابل است. در آن زمان این آیین تبدیل به بدعتی شد چرا که روشی بود برای تشخیص بنی اسرائیل از بابل‌های نامختون و باز نشانه عهد خدا و ابراهیم و در نتیجه تعلق به قوم برگزیده؛ وانگهی یهودیان آن را «عهد ختنه» می نامند.



تقدیم کودک

با اینکه تقدیم کودک عملی اجباری نبود اما هر پسری می توانست چهل روز پس از تولد در معبد به خداوند تقدیم شود. مادر می بایست پیش از هر چیز بدلیل خونریزی اش به هنگام زایمان (لاو ۱۲) قربانی طهارت تقدیم نماید. لوقا با توصیف این واقعه نشان می دهد که عیسی چهل روز پس از تولد وارد معبد (یا همان طور که خود او در دوازده سالگی می گوید) خانه پدرش می شود.

فرمانهای کتاب خروج، حکم به وقف تمام نخست زادگان ذکور به خداوند می دهند (خروج ۱۳:۱). و این بدان مفهوم بود که تمام نخست زادگان باید به نوعی خاص خداوند را خدمت نمایند چرا که او آنان را نجات بخشید در حالیکه تمام نخست زادگان مصری را کشت (خروج ۵:۱۱). چون در عمل، لاویان به جای تمام نخست زادگان بنی اسرائیل خداوند را خدمت می کنند (اعداد ۳:۱۲-۱۳) نخست زادگان می بایست توسط فدییه و پنج مثقال نقره بازخرید شوند (اعداد ۱۵:۱۵-۱۶).



سه سرود زکریا، مریم و شمعون در انجیل لوقا

سه سرود ستایش لوقا در دعای روزانه کلیسا جای گرفته اند. دعای خیر و برکت با زکریا به هنگام صبح؛ سرود ستایش با مریم به هنگام عصر و دعای توکل با شمعون در آغاز شب.

تاریخ قوم خدا به تحقق پیوسته است.

این سه دعا چهارچوب بابهای اول و دوم انجیل لوقا را تشکیل می دهند. زکریا، مریم و شمعون از طریق تولد دو نوزاد یعنی عیسی و یحیی (۱:۴۷، ۶۹، ۲:۳۰) مشاهدان کار خدا در تاریخ می باشند. لوقا خاطر نشان می سازد که این شاهدان متأثر از روح القدس لب به سخن می گشایند (۱:۳۵، ۶۷، ۲:۲۷). اینان سرایندهان وعده نجات خدا که آرزوی تمامی قوم است می باشند. قوم مشتاق وعده نجات، همان قوم بنی اسرائیل است که در هر کدام از این سرودها به آن اشاره ای شده است (۱:۵۴، ۶۸، ۲:۳۲).

این نجات که به «دیدار» قوم برگزیده آمد (۱:۶۸، ۷۸) نشانه ای از وفاداری خداوند نسبت به قومش است که «از او یاد می کند» (۱:۵۴، ۷۲). در یک کلام، پیمان بسته شده بین خداوند و ابراهیم، تأیید شده در شخص داود پادشاه یعنی تمثیل مسیح و سروده شده توسط انبیاء آرزومند تسلی و نجات بنی اسرائیل (۱:۶۸، ۲:۲۵) با طلوع یک «ستاره» جدید (۱:۷۸) یعنی مسیح بطور کامل هویدا شده است.

با این وجود همه چیز آغاز شد.

مریم چون حنای نازا که سموئیل را زایید (۱- سمو ۲: ۱-۱۰) جلال خداوند را می ستاید. خداوندی که بندگانش را اجابت می فرماید (لو ۱: ۴۸، ۵۴). مریم در نظر قوم جدید همانی است که حنا برای بنی اسرائیل بود. تمثیل و نمونه ای از اعتماد و بندگی خدا. مریم نویدهای سعادت را اعلام می دارد.

زکریا به منظور ستایش ستاره ای که همان مسیح است تمثیل های نجات بنی اسرائیل را می سراید (۷۸: ۱). به نظر می آید آیات ۷۶-۷۷ اضافه شده اند تا اشاره ای نه به مسیح اما به منادی او یعنی یحیی داشته باشند که قوم خدا را آماده «معرفت نجات از طریق آمرزش گناهان» (۷۷: ۱) می کند. یحیی بعنوان آخرین نبی از بنی اسرائیل اولین شاهد مسیح خواهد بود.

شمعون انجیل لوقا را در بعد جهانی اش می گشاید: «چون چشمانم نجات ترا دیده اند، که آن را در مقابل جمیع اقوام آماده نموده ای» (۲: ۳۰، ۳۱). شمعون در انتظار تسلی بنی اسرائیل است و مسیح را همچون «جلالی برای قوم تو بنی اسرائیل» سلام گفته و چون «نوری جهت تجلی امتها» معرفی می کند.

این سه سرود که شاید در همان زمان توسط کلیسای اولیه خوانده می شدند، روز به روز آغاز افتتاح شده در مریم، آغازی همیشه جدید، را اعلام می کنند.

سرود عید میلاد

از آیین مذهبی ارامنه



افتخار می کنیم تا مادر
مقدس خدا را حمد و ثنا گفته
و ستایش و تمجید کنیم.

فرشته الهام بخش ندا
سرداده می گوید که از دوشیزه
پارسایی نجات بخشی برای ما
متولد شده: «مسرور و شادکام
باش و به تمامی مشعوف و
شادمان زیرا سرور سروران با
شما است».

ای مادر خدا، دوشیزه ای
ازلی و ابدی از کلمه لایتنای
باردار شدید و خدایی که

تعریف و توصیفش از قدرت ما خارج است بدنیا آوردید و در آغوش خود هستی
بی پایان را محفوظ و مصون گناه داشتید همواره شفیع جسم و جان ما در پیشگاهش
باشید. کلیسا در حد کمال افتادگی و فروتنی شما را مادر خدا معرفی می نماید زیرا
آن خدایی که دسته ای از ملائک کروبیان با دیدگان بسیار و تخت های آتشین و نیز
فرشتگان شش بال صور اسرافیل یارای نظرکردن خدا را نداشتند، شما او را در بطن
ظلالت ناپذیر خود بمانند کنیزی پرورش دادید و او را به شکل آدمی بدنیا آوردید،
خدای همه: کلمه غیرقابل تعریف که به خاطر نجات بخشیدن و رهایی دنیا و زندگی
و روح و روان ما از تو جسم گرفت.

تولد عیسی (لوقا ۲: ۱-۲۰)

برای درک روایت تولد عیسی در انجیل لوقا باید توجه داشت که انجیل نگار روایتش را در پرتو ایمان به عیسی‌ای قیام کرده نوشته است. بدین ترتیب به کمک این اصل پی بردن به قصد و منظور لوقا به آسانی میسر خواهد بود.

۱- خواندن دقیق متن

این روایت را بخوانید. در ابتدا تصور خواهید کرد که این روایت را بخوبی می‌شناسید اما یک قرائت دقیق و آرام امکان کشف نکات جدید بشمارای را می‌دهد.

۲- دقت و توجه در جریانات متن

دیدگاه‌های خود را در رابطه با این موارد بنویسید:
شخصیت‌های متن: به نظر شما شخصیت اصلی متن کیست؟ این شخصیت چه می‌گوید؟ و چه می‌کند؟ دیگر شخصیت‌ها چه می‌کنند؟ به چه منظور وارد متن شده‌اند؟ شخصیت‌های فعال و غیر فعال متن کدامند؟
مکانها: در این متن جابجایی زیادی صورت می‌گیرد. با این حال مکانی اصلی در آن به چشم می‌خورد، آن کدام است؟
مبانیات‌ها و اختلاف‌ها (در مکانها، شخصیتها، نمادها).

ای مریم دوشیزه مقدس و پارسا و مادر خدا که قوت اعلی بر تو سایه افکنده و از برکت حلول و نزول روح القدس تابناک و خیره‌کننده شدید، شما که حامله و باردار شدید و خالق همه موجودات و هستی را پرورش دادید، او را به طرزی عجیب و شکلی غیر قابل توصیف به دنیا عرضه داشتید، و در پیشگاه آنکه از تو جسم گرفت شفیع ما بندگان باش تا او جسم و جان ما را شفا بخشد.

افواج فرشتگان از آسمان نازل می‌گردند و نغمه‌خوان می‌گویند «این است پسر خدا». همه با هم ندا سر داده و بگوییم: «آسمانها شاد باشید پایه‌های هستی از شادی و شادمانی به وجد و سرور در آید: زیرا خدای جاودان بر زمین و در میان مردم به منظور نجات روح و روان ما ظاهر شده است».

اینک متن کتیبه ولادت آگوست اولین امپراتور روم که در پیرین یکی از شهرهای آسیای صغیر در جوار شهر میلپتس در جنوب افسس پیدا شده است. این کتیبه که در سال نهم قبل از میلاد در ستایش امپراتور آگوست (متولد سال ۶۳ پیش از میلاد) نوشته شده است برای اصلاح نام ماهها و آغاز تقویم سال از تولد امپراتور مورد استفاده قرار گرفت.

همه کس می‌تواند این اتفاق را چون آغاز زندگی و موجودیتش بداند. همانند لحظه‌ای که پس از آن نباید از متولد شدن متأسف شد... مشیت ربانی به صورتی خارق‌العاده زندگی انسانی را به بخشیدن آگوست متقی و نیک‌خواه انسانها به ما مزین کرده است. منجی ما و آیندگان برای پایان دادن به جنگ و برقراری نظم در عالم متولد شد. روز میلاد قیصر برای تمام جهان آغاز **بشارت‌ها** (مژده‌ها) بود که به لطف او به دست آمد.

۳- مطالعه چهار جزء روایت

متن را تدریجاً به کمک کتاب مقدس و این مجموعه دنبال کنیم:

الف) یوسف و مریم در بیت اللحم (آیه ۱-۵)

آنها ساکن ناصره بودند: بالاخره علت تولد عیسی در بیت اللحم چیست؟
* یک سرشماری در زمان فرمانداری کیرینیوس؟ کیرینیوس فرماندار سوریه در سالهای ۶-۷ پس از میلاد بود که یک سرشماری اما تنها در یهودیه و نه در جلیل انجام داد. یحیی تعمید دهنده در ایام زمامداری هیرودیس که به سال ۴ قبل از میلاد وفات یافته، متولد شد (لو ۵:۱). تطابق این دو تاریخ کاری بس مشکل است!
تفاوت را اینگونه بررسی کنید: لوقا معتقد است، عیسی تأثیر بسزایی در تاریخ داشته. اما مورخان نشانه‌ای دقیق از تاریخ تولدش در دست ندارد.
* یوسف از خاندان داود؟ از نظر لوقا تعلق داشتن یوسف به خاندان داود عاملی تکمیلی برای اثبات عیسی به عنوان مسیح است. اما از نقطه نظر تاریخی عیسی کیست؟ در این روایت تشخیص ارزش تاریخی (کنجکاوی شان امروز) از ارزش ادبی (هدف لوقا) کاری بس مهم و پراهمیت است.

ب) ولادت (آیه ۶-۷)

این روایت را با روایت ولادت یحیی تعمید دهنده مقایسه کنید (۱: ۵۷-۵۸) چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟ اختلاف بین ولادت عیسی و مسیحی از تبار داود که مردم انتظارش را می‌کشیدند، شخصیتی مقتدر که می‌بایست پادشاهی اسرائیل را دوباره برقرار سازد بررسی کنید.

ج) ظهور بر چوپانان (آیه ۸-۱۴)

چرا ولادت عیسی در ابتدا به چوپانان اعلام شد؟ از چوپانان عصر عیسی چه می‌دانید؟ به انجیل لوقا که ارجحیت عیسی برای کودکان و محرومان را نشان

می‌دهد بیندیشید. مطرودان جامعه اولین شاهدان مژده هستند.

اعلام مژده توسط چه کسی داده شد؟ سه عنوان داده شده به عیسیای نوزاد را مشخص کنید: این عناوین شما را به یاد چه می‌اندازند؟ (به مقدمه این یادداشت‌ها ... رجوع کنید)

لوقا اختلاف‌ها را نمایش می‌دهد: قیصر آگوست، حاکم دنیای آن زمان خواهان سرشماری در سرزمینش است. اما منجی و خداوند (عناوین امپراتوران) طفلی کوچک است که سپاه آسمانی را در اختیار خود دارد (آیه ۱۳): این سپاه به چه کار می‌آید؟

د) عکس‌العمل‌ها (آیه ۱۵-۲۰)

عکس‌العمل چوپانان چه بود (آیه ۱۵-۱۶، ۲۰)؟

عکس‌العمل شنوندگانی که چوپانان ماجرا را برایشان تعریف کردند چه؟ در آن هنگام چه حالی داشتند (آیه ۱۷-۱۸)؟
عکس‌العمل مریم با دیگران متفاوت بود، چرا (آیه ۱۹)؟

۴- مسلط شدن بر متن

با خواندن دوباره تمام متن سعی کنید شهادت ایمانی ناشی از متن را پیدا کنید. به عقیده شما لوقا می‌خواسته چه چیزی را از همان ابتدای انجیلش نشان دهد؟ امروزه این شهادت چگونه می‌تواند ایمان ما را هدایت کند؟ آیا در تجربه ایمانی خود اختلاف‌هایی قابل مقایسه با این اختلاف‌ها می‌شناسیم؟

میلاد مسیح در يك انجیل جعلی

به منظور کمک به درک بهتر هدف اناجیل جعلی، مطالعه بخشی از انجیل جعلی یعقوب را پیشنهاد می‌نماییم (فصل ۱۹-۲۰). این انجیل متعلق به قرن دوم میلادی است.

۱- متن

زایمان مریم فرا رسید و، یوسف به جستجوی قابله ای رفت؛ قابله ای که یافت از او پرسید:

(۱:۱۹) «... چه کسی در غار در حال زایمان است؟ نامزد من - پس او زن تو نیست؟ - او مریم است، همانی که در معبد خداوند بزرگ شده است. من برای ازدواج با او تعیین شده بودم، اما او زن من نیست و از روح القدس باردار شده است. - آیا این حقیقت دارد؟ - بیا و ببین.» و قابله با او رفت.

(۲:۱۹) در نزدیکی غار ایستادند. ابری متراکم غار را پوشانیده بود. قابله گفت: «امروز جانم به هیچان آمده است چرا که چشمانم شگفتی‌هایی دیده‌اند. نجات برای اسرائیل متولد شده است». ابر بلافاصله محو شد و نوری شدید و غیر قابل تحمل از درون غار درخشیدن گرفت. این نور کم کم محو شد تا کودکی نمایان شود. کودک سینه مادرش مریم را به دهان گرفت. و قابله فریاد برآورد: «امروز برای من روز بزرگی است! چرا که با چشمانم چیزی بی مانند دیده‌ام».

(۳:۱۹) قابله در هنگام خروج از غار به سالومه برخورد و به او گفت: «سالومه،

سالومه خبری شگفت برایت دارم: باکره ای برخلاف قانون طبیعت زاییده است». و سالومه جواب داد: «به حقیقت خدای زنده، تا انگشت خود را نگذارم و بدن او را معاینه نکنم هرگز باور نخواهم کرد که باکره ای زاییده باشد».

(۱:۲۰) و قابله وارد شده گفت: «مریم، خود را آماده کن زیرا این تنها یک مشاجره ناچیز در خصوص تو نیست». مریم با این کلمات خود را مهیا ساخت. سالومه مریم را معاینه کرده فریادی برآورد و گفت: «بدابه بی ایمانی و دیر باوری من! من خدای زنده را آزمودم! اینک دستم در اثر سوزشی خشک شد».

(۲:۲۰) سالومه در برابر خداوند زانوزده گفت: «خدای پدران من، بیاد بیاور که من از تبار ابراهیم، اسحق و یعقوب هستم. به ملاحظه پسران بنی اسرائیل مرا به سلامتی روانه کن و مرا به بینوایان بازده. چرا که ای خداوند تو خود می‌دانی که من ایشان را با نام تو معالجه می‌کنم و مردم را تنها از تو دریافت می‌دارم».

(۳:۲۰) و یکی از فرشتگان خداوند ظاهر شده گفت: «سالومه، سالومه خداوند عالم دعای تو را شنید. دستت را بسوی طفل دراز کن و او را بردار. او نجات و شادی تو خواهد بود». ۴- و سالومه که منقلب شده بود به طفل نزدیک شده او را در آغوش گرفته گفت: «من او را خواهم پرستید. پادشاهی برای بنی اسرائیل متولد شده است و این همان است». سالومه بلافاصله شفا یافته پاک و بی گناه از غار خارج شد. و اینک صدایی می‌گفت: «سالومه، سالومه تا قبل از وارد شدن طفل به اورشلیم آنچه را که شاهدش بودی فاش نساز».

۲- ترکیبی از کتاب مقدس

جستجو کنید کدامیک از متون اناجیل یا عهد عتیق در این انجیل جعلی یادآوری شده‌اند. به رفرانس‌های ذیل توجه نمایید.

۳- چندین تعلیم ایمانی

این روایت به وضوح مادر بودن بی‌آلایش مریم را می‌رساند. چرا این امر چنین پراهمیت است؟ وجود قابله در این روایت در حالیکه مریم قبلاً طفل خود را بدنیا آورده است برای چیست؟ آیا بکارت مریم که حتی پس از زایمان تصدیق شده است در این متن پراهمیت‌تر از تجسم پسر خدا جلوه نمی‌کند؟

یادآوری تجربه توما (یوحنا ۲۰): چه ارتباطی بین دو اوج زندگی عیسی یعنی زندگی قبل از تولد و زندگی پس از مرگش وجود دارد؟ هر آنچه را که در خصوص عیسی نوشته شده است جدا سازید. این دو زن معرف چه کسی می‌باشند؟ رفتار و منش آنها را با هم مقایسه کنید. لوقا ۲:۳۴ را دوباره بخوانید. توجه داشته باشید که سالومه «پرستاری بی‌اجر» برای فقر است که این برایش مزیتی محسوب می‌شود!

برای نوشتن این مطلب از این متون کتاب مقدس استفاده شده است:

۱:۱۹؛ مت ۱:۲۰ و لوقا ۱:۲۷، ۳۵؛ ۲:۱۹؛ خروج ۲۰:۱۴؛ ۲۰:۱۹؛ ۱۶:۱۷؛ ۵:

۱۹؛ ۳:۱۹؛ یو ۲۰:۲۵؛ ۱:۲۰؛ خروج ۴:۶-۷؛ ۱-۱۳؛ ۱-۶؛ ۲۰:۲۰؛ لوقا ۲:۲۹؛

۳:۲۰؛ مر ۱:۴۱؛ ۵:۲۸؛ ۴:۲۰؛ مر ۹:۹؛ لوقا ۲:۲۵-۳۸.

